

بررسی باستان‌شناختی تپه گریاشان سنندج براساس مدارک و شواهد سطحی

محمد ابراهیم زارعی*

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

mohamadezareei@yahoo.com

سیروان محمدی قصبریان

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی شعبه‌ی استان کردستان

محمد عبدالله پور

کارشناس اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

(از ص ۹ تا ۲۴)

چکیده

باوجود مطالعات و کاوش‌های اخیر صورت‌گرفته در تعدادی از محوطه‌های پیش‌ازتاریخ در استان کردستان، این منطقه در مقایسه با همسایه‌های شمالی و جنوبی خود، از نظر این مطالعات ناشناخته‌تر باقی‌مانده است. از جمله دوره‌های کم‌تر شناخته شده‌ی پیش‌ازتاریخ استان، دوره‌ی مس‌وسنگ می‌باشد. این درحالی است که تپه‌ها و محوطه‌های زیادی از این دوران در جای‌جای استان تاکنون شناسایی شده است. از جمله کلیدی‌ترین آثار شناسایی شده از این دوران، تپه «گریاشان» در حاشیه‌ی جنوب‌شرقی سنندج است. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، این تپه سفال‌های شاخص هر دو دوره‌ی مس‌وسنگ میانی و جدید را داراست. تپه در حاشیه‌ی یکی از رودخانه‌های دائمی سنندج به‌نام «قشلاق» جای دارد. هدف از این نوشتار، معرفی این اثر پیش‌ازتاریخی در حوالی شهر سنندج و نیز بررسی گاهنگاری آن از طریق مطالعات نمونه‌برداری از سفال‌های سطحی و مقایسه آن‌ها با سایر محوطه‌های هم‌دوره در غرب کشور است. مسأله و سؤال اصلی تحقیق مورد نظر این است که چه نوع مشابهت‌هایی بین سفال‌های این محوطه و سایر محوطه‌های هم‌دوره در نواحی مجاور وجود داشته است؟ از نظر گاهنگاری سفال‌های این محوطه در چه مقطعی از افق فرهنگی پیش‌ازتاریخ زاگرس قرار می‌گیرند؟ شباهت‌های انکارناپذیر سفال‌های این تپه با سایر محوطه‌های زاگرس و نیز شباهت الگوی پراکنش محوطه‌های این دوره در منطقه‌ی سنندج با مناطق هم‌جوار، نمی‌توانسته تصادفی باشد و مطمئناً در نتیجه‌ی برقراری ارتباط ساکنان محوطه با مناطق هم‌جوار در دوران پیش‌ازتاریخ دارد؛ البته، تنها بررسی‌های سطحی جواب‌گویی مشخص کردن چگونگی نوع ارتباطات نبوده و کاوش‌های باستان‌شناختی در مشخص کردن نوع این ارتباطات سودمند خواهد بود.

کلیدواژه‌گان: تپه گریاشان، سفال دالما، بررسی سطحی، سنندج.

مقدمه

تپه گریاشان، در حاشیه‌ی جنوب‌شرقی شهر سنندج واقع شده و براساس شواهد سطحی، قدمت آن به دوره‌ی مس‌وسنگ میانی باز می‌گردد که این محوطه یکی از قدیمی‌ترین محوطه‌هایی است که تاکنون در محدوده‌ی سنندج شناسایی شده است. هدف از این نوشتار، معرفی این اثر پیش‌ازتاریخی در حوالی شهر سنندج و نیز بررسی گاهنگاری آن از طریق مطالعات نمونه‌برداری از سفال‌های سطحی و مقایسه آن‌ها با سایر محوطه‌های هم‌دوره در غرب کشور است. مسأله و سؤال اصلی تحقیق مورد نظر این است که چه نوع مشابهت‌هایی بین سفال‌های این محوطه و سایر محوطه‌های هم‌دوره در نواحی مجاور وجود داشته است؟ از نظر گاهنگاری سفال‌های این محوطه در چه مقطعی از افق فرهنگی پیش‌ازتاریخ زاگرس قرار می‌گیرند؟ براساس بررسی و مطالعات صورت گرفته به نظر می‌رسد که ارتباط قابل توجهی بین این منطقه و سایر محوطه‌های هم‌افق خود در غرب کشور وجود داشته و آن‌چه که تحت‌عنوان: «فرهنگ سفال‌های نخودی منقوش دوره‌ی مس‌وسنگ میانی» در سایر نقاط رایج بوده، در منطقه‌ی مورد بررسی نیز گسترش داشته است.

شهر سنندج، یکی از شهرهای میان‌کوهی غرب ایران است. این شهر در ۵۲۰ کیلومتری تهران قرار داشته و مرکز استان کردستان است. سنندج در میان کوه‌پایه‌هایی قرار دارد که دورتادور آن را تپه‌ماهورها و کوه‌ها فراگرفته است. یکی از شاخصه‌های موقعیت طبیعی آن، وجود رودخانه‌ی قشلاق است که اکنون نیز در بالادست شهر سنندج، سدی در مسیر آن ایجاد شده است. در حاشیه‌ی رودخانه‌ی «گریاشان» که از سرشاخه‌های رود قشلاق بوده و در فاصله‌ی ۵ کیلومتری جنوب‌شرق شهر سنندج، محوطه‌ای قرار داشته که به «تپه آسیاب گریاشان» معروف است. تپه گریاشان بر روی تپه‌ماهوری با ارتفاع اندک و در حاشیه‌ی رودخانه‌ی گریاشان قرار دارد و اکنون بخشی از توسعه‌ی شهرک‌سازی در حاشیه‌ی روستای قدیم «دگایران» آسیب‌هایی را به این تپه وارد کرده است. قطعات سفال زیادی در سطح محوطه پراکنده شده که این میزان در کنار چاله‌های حفاری‌های غیرمجاز سطح تپه به مراتب بیشتر است.

روش تحقیق، این پژوهش به‌صورت تاریخی-تطبیقی و تحلیلی که مبتنی بر بررسی‌های میدانی و نمونه‌برداری از آثار سطحی و نهشته‌های قابل مشاهده و مطالعه‌ی اسناد و مدارک منتشر شده و کتابخانه‌ای انجام شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

برای نخستین بار در رساله‌ی دکترای نگارنده (اول)، (زارعی، ۱۳۸۶)، به‌طور مختصر به این محوطه اشاراتی شده است و در ادامه این محوطه در زمره‌ی آثار حفاظت شده قرار گرفته و سپس در فهرست آثار ملی کشور به‌شماره‌ی ۲۹۹۵۵، در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷ به ثبت رسیده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴). در ادامه، بررسی‌هایی توسط کارشناسان میراث‌فرهنگی استان کردستان صورت گرفته و نمونه‌هایی از سفالینه‌های آن جمع‌آوری شده است. هم‌چنین، بررسی‌های اخیر صورت گرفته توسط نگارندگان که دستاورد این مقاله را در پی داشته است، جامع‌ترین این

بررسی‌ها محسوب می‌شود. طی بررسی‌هایی که پیش‌تر صورت گرفته است، فقط از واژه‌های کلی «پیش‌ازتاریخ» برای دوره‌بندی سفال‌های سطحی این تپه استفاده شده بود؛ اما در بررسی‌های اخیر نگارندگان، مشخص گردید که آثار پیش‌ازتاریخ تپه، شامل دو دوره‌ی مس‌وسنگ میانی و جدید است، که در این جستار نتایج آن به بحث گذارده خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

در ادبیات باستان‌شناسی ایران، در محدوده‌ی فعلی استان کردستان به نسبت مناطق همجوار دیگر در غرب کشور، اطلاعات کمتری از آثار پیش‌ازتاریخ و به‌ویژه دوره‌ی مس‌وسنگ وجود دارد. سنندج و مناطق پیرامون آن، از نظر مطالعات پیش‌ازتاریخ ناشناخته باقی‌مانده است؛ گواه این ادعا، به‌خوبی در کتاب *باستان‌شناسی غرب ایران دیده می‌شود*: «این کوه‌ها که حدوداً بین دریاچه‌ی ارومیه و دشت‌های پهن‌اور ماهیدشت واقع شده‌اند، از دیرباز چراگاه قبیله‌های کرد بوده‌اند. این قبیله‌ها، چند زیستگاه دائمی دارند. تاکنون بررسی در این منطقه دقیق نبوده است. چند تکه سفال مکشوف از دوره‌ی روستانشینی آغازین کهن به فرهنگ‌های کاملاً شناخته شده‌ای در آذربایجان تعلق دارند» (هول، ۱۳۸۱: ۹۳-۹۴). استان کردستان تا همین چند سال اخیر، همواره به‌عنوان یکی از ناشناخته‌ترین حوزه‌ها در مطالعات پیش‌ازتاریخ غرب کشور بوده است؛ اما خوشبختانه از آن زمان تاکنون بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی متعددی در مناطق مختلف استان کردستان صورت پذیرفته است و تاحدودی وضعیت برخی از نقاط استان از زمان انتشار کتاب *باستان‌شناسی غرب ایران* بهبود یافته است. در نتیجه‌ی مطالعات انجام گرفته آثار و محوطه‌های پیش‌ازتاریخ شاخصی از دوره‌های مختلف پیش‌ازتاریخی شناسایی شده است. طی مطالعات صورت گرفته توسط «امیر ساعدموچشی»، «گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا» و «فریدون بیگلری»، محوطه‌هایی را از دوره‌ی پارینه‌سنگی میانی در منطقه‌ی مریوان و هورامان شناسایی کرده‌اند (ساعدموچشی، ۱۳۹۱؛ مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴؛ بیگلری و دیگران، ۱۳۹۵)؛ آثار دوره‌ی نوسنگی منطقه نیز از مریوان و سنندج گزارش شده است (مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴؛ زارعی، ۱۳۸۶)؛ همچنین آثار دوره‌های مس‌وسنگ تا آهن نیز از مناطق مختلف استان گزارش شده است (ساعدموچشی، ۱۳۹۰ الف؛ نوری، ۱۳۸۹؛ کریمی، ۱۳۸۶ و وفایی، ۱۳۸۹)؛ و آثار دیگر ادوار تاریخی یاد شده در بخش‌های مختلف استان شناسایی شده‌اند (زارعی، ۱۳۹۲). در نتیجه توالی پیش‌ازتاریخی که از دوره‌ی جوامع شکارگر دوره‌ی پارینه‌سنگی تا جوامع یکجانشین برای سایر مناطق غرب ایران تعریف شده است، برای استان کردستان نیز به‌عنوان بخشی از غرب کشور، صادق است. یکی از دوره‌های پیش‌ازتاریخ استان که درصد قابل توجهی از آثار شناسایی شده را به‌خود اختصاص داده است، دوره‌ی مس‌وسنگ است که تپه گریاشان از جمله آثار شناسایی شده‌ی این دوره در شهر سنندج است. بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ تپه مربوط به دوره‌های مس‌وسنگ میانی (انواع گونه‌های دالما، سه‌گابی، B.O.B) و جدید (گودین VII) است. این گونه‌ها، همان گونه‌های شاخص رایج در دیگر محوطه‌های نواحی

زاگرس است (Henrickson, 1983: 179-181, 1985b: 33-37; Levine & Young, 1987: 21-40).

موقعیت جغرافیایی

تپه گریاشان، در حاشیه‌ی جنوب‌شرقی سنندج واقع شده است. تپه در محاصره‌ی شهرک‌سازی‌های جدید قسمت‌های حاشیه‌ی جنوب‌شرقی شهر سنندج قرار گرفته که این ساختوسازها هر روز عرصه را بر محوطه تنگ‌تر می‌کنند. در حاشیه‌ی شمالی تپه، رودخانه‌ی گریاشان که از سرشاخه‌های رود قشلاق بوده جاری است (تصاویر ۱-۵). به‌نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این تپه، دسترسی به‌همین منبع آبی از دوران پیش‌تاریخ تا به امروز بوده



تصویر ۱. موقعیت تپه گریاشان و دیگر محوطه‌های اشاره شده در متن بر روی تصویر هوایی شهر سنندج و محدوده اطراف (Google Earth, 2016) ◀



تصویر ۲. موقعیت تپه گریاشان در حاشیه‌ی جنوب‌شرقی شهر سنندج (Google Earth, 2016) ◀



► تصویر ۳. نمایی نزدیک‌تر از موقعیت تپه گریاشان (Google Earth, 2016).



► تصویر ۴. دورنمای تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

است. ابعاد و اندازه‌ی واقعی تپه به‌دلیل ساخت‌وسازهای صورت‌گرفته در اطراف تپه مشخص نیست. امروزه، تپه متشکل از دو برجستگی با ابعاد تقریبی ۱۰۰ متر طول و ۷۰ متر عرض است که ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف در حدود ۸ متر است. ابعاد تپه در گذشته به‌مراتب بیشتر از وسعت امروزی بوده و بخش‌های زیادی از آن به‌ویژه در قسمت‌های شرقی زیرساخت و سازها مدفون شده است. سطح قسمت‌های باقی‌مانده‌ی امروزی تپه، نسبتاً سالم مانده است و فقط در چندین نقطه آثار چاله‌های حفاران غیرمجاز دیده می‌شود (تصویر ۶).

اهمیت و جایگاه تپه گریاشان در مطالعات پیش‌از تاریخ منطقه

پیش‌تر در حوالی شهر، در روستایی به‌نام «کره سی» از توابع شهرستان سنندج، آثار از دوره‌ی نوسنگی با سفال گزارش شده است (زارعی، ۱۳۹۲ و ۱۳۸۶)؛ علاوه‌بر



تصویر ۵. نمای دیگری از تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀

شهر سنندج در دیگر نقاط استان نیز همانند مریوان شواهدی از وجود آثار دوره‌ی نوسنگی گزارش شده است. دو تپه‌های «حمه مراد (محمد مراد)» و «حمه و مین (محمد امین)» آثار شناسایی شده‌ی منطقه‌ی مریوان هستند (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴؛ Mohammadifar & Motarjem 2008). هرچند که «سویینی» در بررسی سال ۱۹۷۱ م. در نواحی شمال و شرق استان، مدعی شده که سه محوطه را از دوره‌ی حاجی‌فیروز شناسایی کرده است (Swiny, 1975: 79-93)، اما نام‌برده برای مقایسه‌ی سفال‌های این سه محوطه از دوره‌ی گودین VII یاد می‌کند که این دوره در مطالعات پیش‌ازتاریخ زاگرس، دوره‌ی نوسنگی نیست (روستایی و رضوانی، ۱۳۸۱: ۶۷) و همان‌طور که ذکر گردید، آثار شناسایی شده در حوالی شهر سنندج و نیز مریوان تا به حال تنها آثار دوره‌ی نوسنگی استان کردستان به حساب می‌آیند. وضعیت مطالعات پیش‌ازتاریخ استان با ورود به دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم پیچیده‌تر می‌گردد. در این میان در زاگرس به‌غیر از نواحی غربی زاگرس مرکزی میان به حساب می‌آید و محوطه‌های زیادی از این دوره گزارش شده است، دیگر نواحی از نظر شواهد سطحی این دوره ناشناخته‌تر باقی مانده‌اند. این وضعیت در مورد استان کردستان نیز صادق است. با توجه به این‌که در مناطق غربی و جنوبی استان، نظیر: شهرستان‌های مریوان، سروآباد و کامیاران، که آثار دوره‌های قدیمی‌تر از دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم گزارش شده، بایستی برای پُر کردن جای خالی مطالعات دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم در توالی پیش‌ازتاریخ استان، مناطق یاد شده جهت انجام بررسی‌های باستان‌شناختی مناسب به‌نظر می‌رسند.

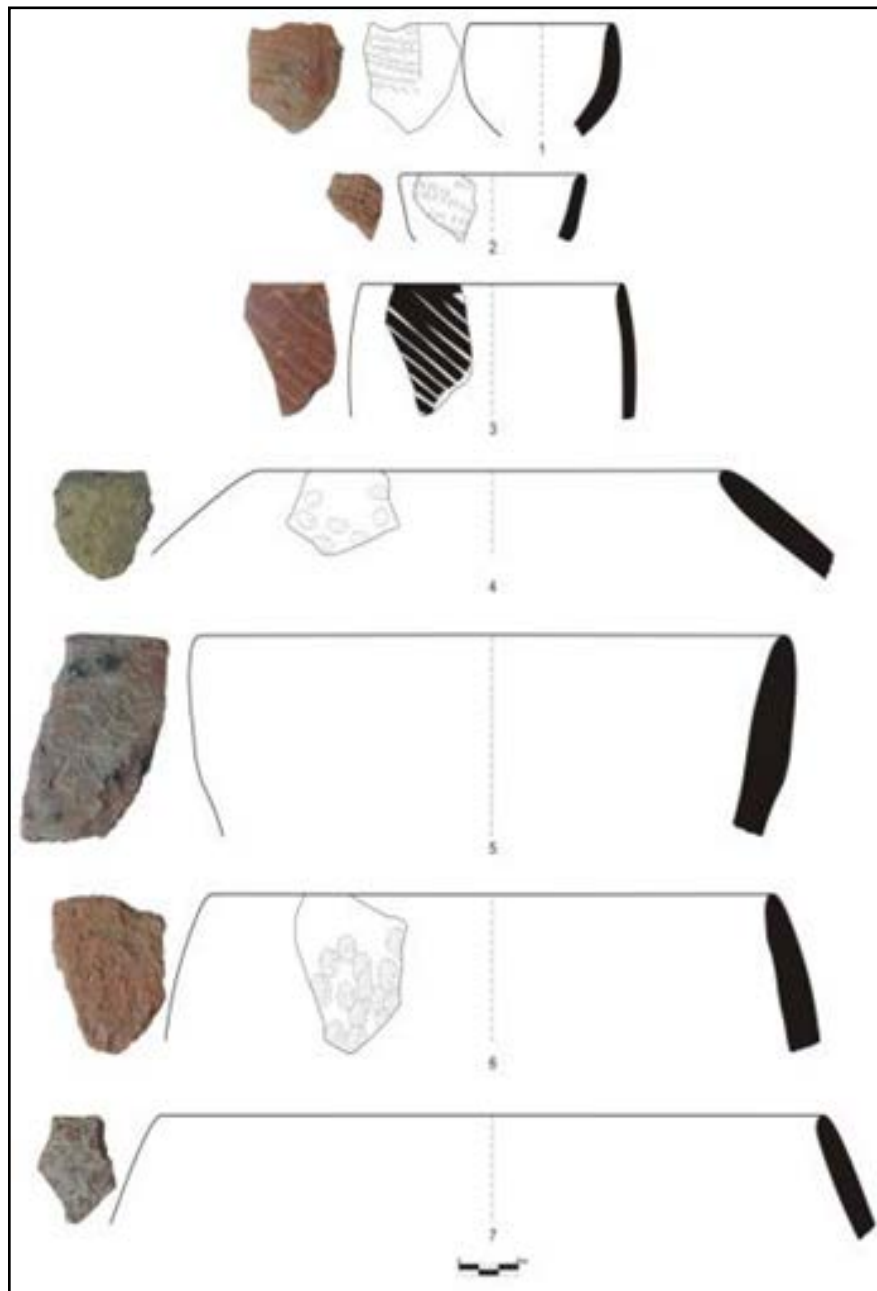
با ورود به دوره‌ی مس‌وسنگ میانی، وضعیت منطقه از ابهام و پیچیدگی دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم کاسته شده و اطلاعات بیشتری در دسترس می‌باشد. در میان دوره‌های پیش‌ازتاریخ استان، یکی از دوره‌هایی که بیشترین آثار از آن گزارش شده است، دوره‌ی مس‌وسنگ میانی می‌باشد. طبق بررسی‌های سطحی صورت‌گرفته، قدیمی‌ترین شواهد به‌دست آمده از تپه گریاشان نیز سفال‌های شاخص دوره‌ی مس‌وسنگ میانی است. سفال‌های جمع‌آوری شده‌ی این دوره متشکل از گونه‌های مختلف سفال دالما (ساده، منقوش، مخطط و فشاری)، منقوش سه‌گابی و گونه‌ی



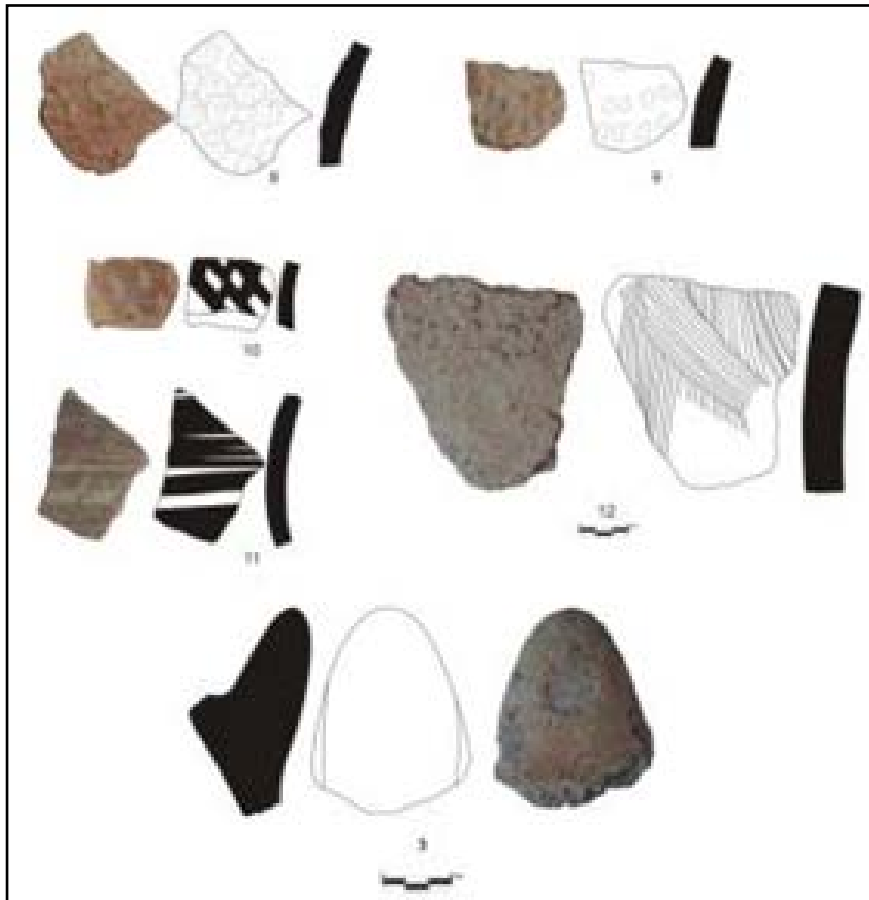
▲ تصویر ۶. یکی از چاله‌های حفاری غیرمجاز حفر شده در سطح تپه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

B.O.B است (تصاویر ۷-۹).

لازم به ذکر است که گونه‌های یاد شده و به‌ویژه نوع دالمایی آن، از جمله سفال‌های شاخص دوره‌ی مس‌وسنگ میانی زاگرس بوده که پراکنش آن حوزه‌ی وسیعی را در غرب کشور دربر می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹۱: ۳۹-۴۱). در این دوره، تقریباً در اکثر نواحی غرب کشور، به‌غیر از حوزه‌ی ماهیدشت در غرب زاگرس مرکزی که محوطه‌های زیادی نیز از دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم گزارش شده (Levine, 1974: 46-48; Levine & McDonald, 1977: 488) به یک‌باره شاهد افزایش بی‌سابقه‌ی تعداد محوطه‌ها هستیم؛ وضعیتی که در مورد استان کردستان نیز صادق است



► تصویر ۷. نمونه‌ی سفال‌های مس‌وسنگ میانی تپه (نگارندگان، ۱۳۹۶).



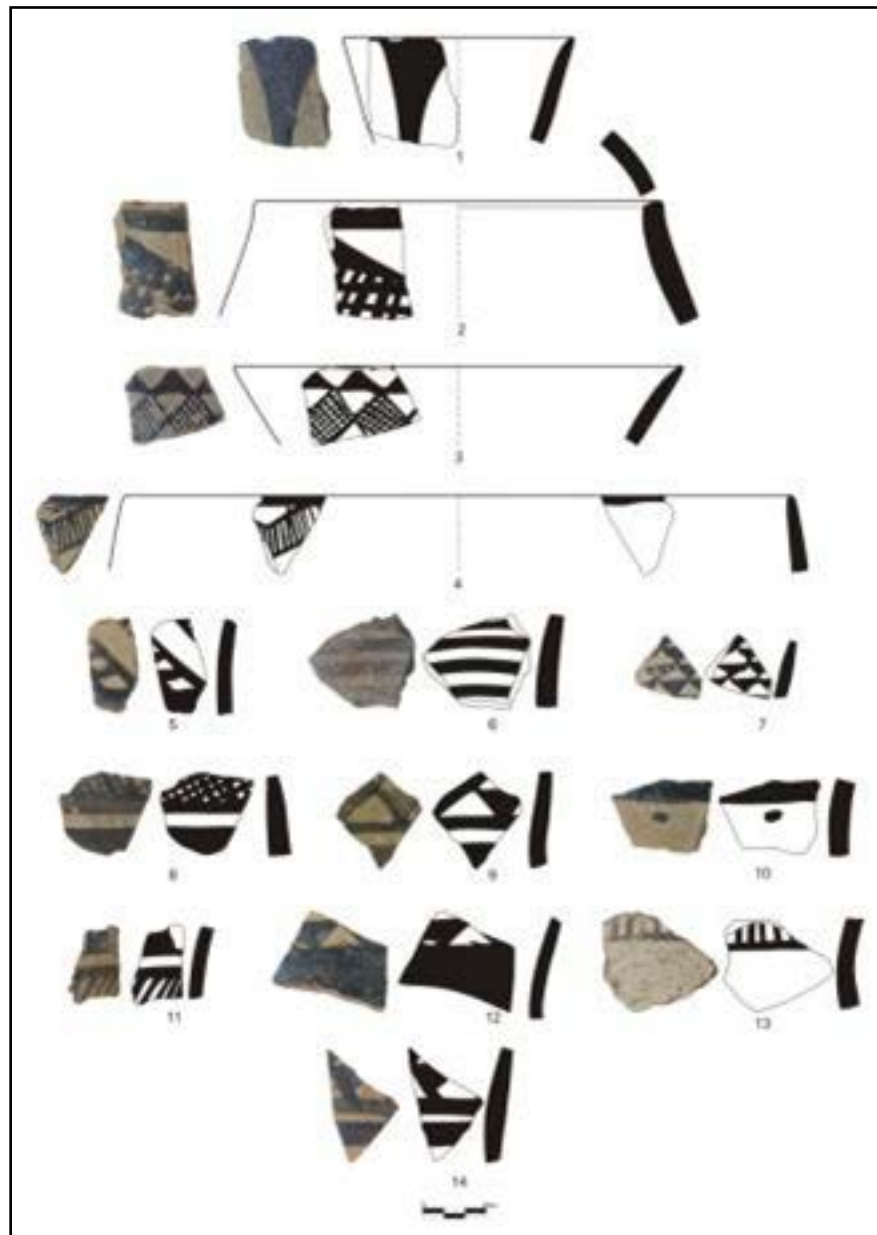
تصویر ۸. گروه دیگری از سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی تپه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

(ساعدموچشی، ۱۳۹۱ الف: ۱۳۹۲). البته گفتنی‌ست که در بعضی از مناطق غرب کشور، نظیر مناطق شرق و شمال شرق کردستان و یا آذربایجان، سفال دالما فقط متعلق به محوطه‌های دوره مس‌وسنگ میانی نبوده و در بافت دوره‌ی مس‌وسنگ قدیم برخی از محوطه‌ها نیز دیده شده است (ساعدموچشی، مصاحبه شونده: فروردین ۱۳۹۶). محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی در دو دسته‌ی کلی جای می‌گیرند.

الف) محوطه‌های تپه مانندی که در برگیرنده‌ی نهشته‌های فرهنگی چندین متری از این دوران هستند. این محوطه‌ها اکثراً در دشت‌ها و نواحی جلگه‌ایی و در مجاورت منابع آب دائمی (چشمه‌ها، رودخانه‌ها و سراب‌ها) جای دارند و می‌توانند به‌عنوان استقرارهای یکجانشین (روستا) در این دوران فرض شوند.

ب) به‌غیر از تپه‌هایی با نهشته‌های چندین متری، سفال‌های این دوره از داخل غارها و پناهگاه‌های صخره‌ایی و یا بر دامنه‌ی طبیعی نواحی مرتفع و کوهپایه‌ایی خارج از دشت نیز گزارش شده است.

محوطه‌های نوع دوم، نمی‌توانند در ارتباط با زندگی یکجانشینی بوده باشند و به‌نظر می‌رسد، شواهد بازمانده از جوامع متحرک (رمه‌گردان) هستند. شکل‌گیری محوطه‌های این دوره در دو زیست‌بوم متفاوت، نشان از شیوه‌های متفاوت زندگی (جوامع یکجانشین و رمه‌گردان) در دوره‌ی مس‌وسنگ میانی در زاگرس است که پیش‌تر به تفصیل درباره‌ی آن‌ها و تقسیم‌بندی‌های داخلی که هر یک از این گروه‌ها می‌تواند داشته باشد، سخن به میان آمده است (Abdi et al., 2002b).



► تصویر ۹. نمونه‌ی سفال‌های نخودی منقوش (نوع سه‌گابی و B.O.B) تپه نگارندگان، ۱۳۹۶).

70: 399-405; Henrickson, 1985a; 2003: 70-72).

استان کردستان نیز به‌عنوان بخشی از غرب کشور، از این الگوی پراکنش مستثنی نیست؛ علاوه‌بر تپه‌های زیادی که از این دوران در دشت‌های مختلف استان و در جوار منابع دائمی آب شناسایی شده‌اند، سفال‌های این دوره در داخل غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای (ساعدموچشی و آذرشب: ۱۳۹۲، ۴۲) و نواحی کوهپایه‌ای خارج از دشت نیز گزارش شده است. نکته قابل‌توجه این‌که در همین محدوده‌ی امروزی شهر سنندج، این تفاوت و دو دستگی در شکل‌گیری محوطه‌ها نیز دیده می‌شود. بررسی دیواره‌ی برش‌خورده و نیز دیواره‌ی تونل حفاری غیرمجاز مشرف به رودخانه‌ی گریاشان، نشان از نهشت‌های حداقل چندین متری دوره‌ی مس‌وسنگ تپه گریاشان دارد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). این نهشته‌های ضخیم می‌تواند یکی از شواهد



تصویر ۱۰. نهبشته‌های فرهنگی چندین متری (احتمالاً مسوسنگ) تپه گریاشان، شکل‌گرفته بر روی بستر صخره‌ای مشرف به رودخانه (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀



تصویر ۱۱. نمونه‌ایی از سفال‌های یوک دوران مسوسنگ آشکار شده در دیواره‌ی تونل حفاری غیرمجاز دامنه‌ی جنوبی تپه (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀

برجای مانده از سکونت طولانی مدت گروه‌های یکجانشین (افراد روستانشین) کوچک دوره‌ی مس‌وسنگ در حاشیه‌ی رودخانه‌ی گریاشان است؛ البته این گفته با کاوش باستان‌شناختی تپه می‌تواند تأیید یا رد گردد. در فاصله‌ی نه‌چندان دوری از این تپه و در همان محدوده‌ی شهری سنندج و در دامنه‌ی کوه آیدر و بر روی ارتفاعات طبیعی این کوه، قطعاتی از سفال‌های این دوره نیز جمع‌آوری شده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).



► تصویر ۱۲. موقعیت محوطه‌ی دوره‌ی مس‌وسنگ میانی آیدر، شکل گرفته بر ارتفاعات طبیعی دامنه‌ی آن (نگارندگان، ۱۳۹۶).

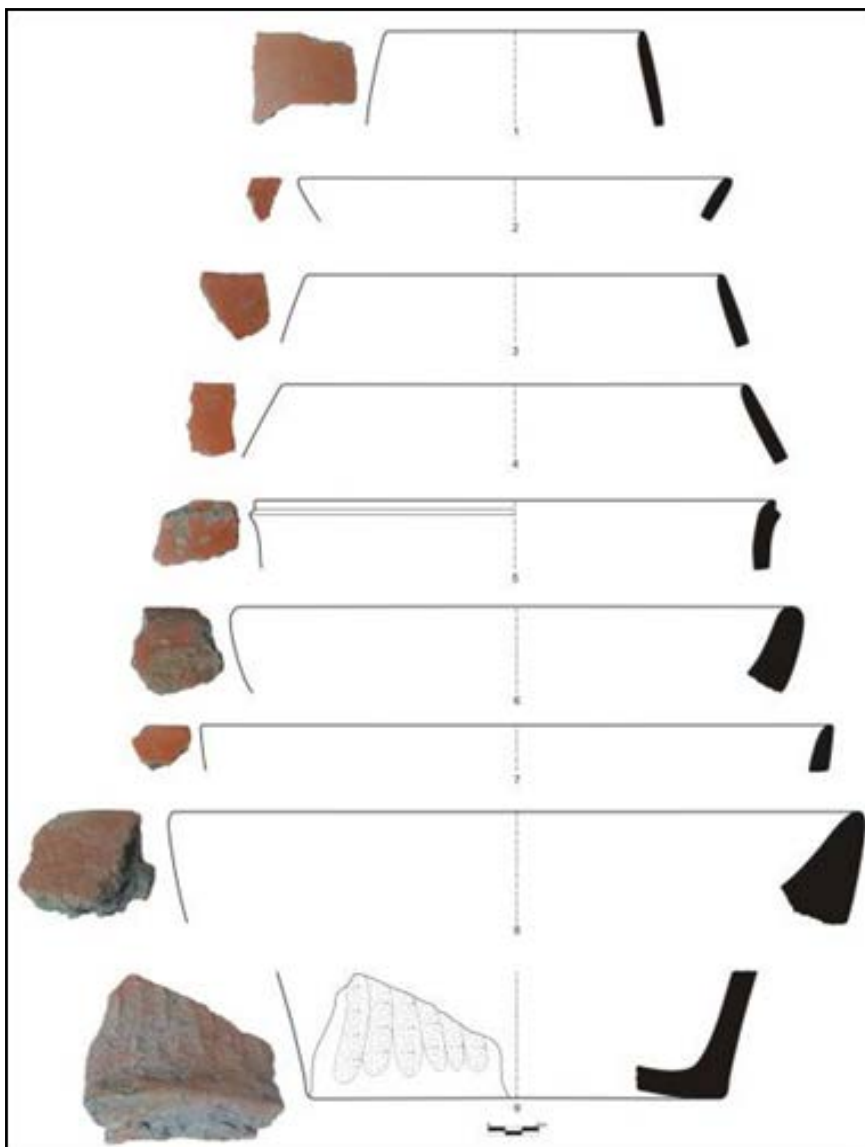
بررسی‌ها نشان می‌دهد که سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ محوطه‌ی کوه آیدر، کاملاً بر بستر طبیعی قرار گرفته و هیچ‌گونه شواهدی دال بر یکجانشینی، نظیر تپه‌های باستانی این دوره در بررسی‌های دامنه کوه به‌دست نیامد. نزدیک‌ترین تپه‌ی هم‌دوره با این محوطه، همان تپه گریاشان در فاصله‌ی تقریباً ۵ کیلومتری آن است. الگوهای پراکنش آثار این دوره در زیست‌بوم‌های متفاوت در محدوده‌ی شهر سنندج با الگوهای کلی که برای محوطه‌های این دوره در غرب کشور ارائه شده است، همخوانی داشته و نشان‌دهنده‌ی رواج جوامع متحرک‌تر با تأکید بیشتر بر رمه‌داری در کنار گروه‌های یکجانشین در منطقه‌ی سنندج و هم‌زمان با سایر مناطق غرب کشور است.



▲ تصویر ۱۳. نمونه‌ی سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی (گودین IX) محوطه‌ی دامنه‌ی کوه آیدر (نگارندگان، ۱۳۹۶).

برخلاف دوره‌ی مس‌وسنگ میانی که نوعی همگونی در پراکنش و تعداد محوطه‌ها و به‌ویژه گونه‌های سفالی شاخص این دوره در اکثر نواحی غرب کشور دیده می‌شود، ناهمگونی‌هایی از نظر الگوی پراکنش، تعداد محوطه‌ها و نیز گونه‌های شاخص سفالی با شروع دوره‌ی مس‌وسنگ جدید دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ زاگرس مرکزی در دو حوزه‌ی ماهیدشت و کنگاور، تفاوت‌هایی را از نظر تعداد و گونه‌های شاخص سفالی با هم دارند (Levine & Young, 1987:40-45). در حوزه‌ی کنگاور، به‌عنوان ناحیه‌ای استثنایی در غرب ایران، با شروع این دوره تعداد محوطه‌ها افزایش می‌یابد،

وضعیتی که در ماهیدشت و دیگر نواحی زاگرس، عکس آن رخ می‌دهد (Roth- man & Badler, 2011: 109-111). نکته‌ی قابل توجه این است که گونه‌های شاخص سفالی هر دو حوزه نیز متفاوت از هم هستند. در استان کردستان، گزارشات بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که همانند بیشتر نواحی غربی ایران، شروع دوره‌ی مس‌وسنگ جدید هم‌زمان با کاهش تعداد محوطه‌هاست. سفال‌های شاخص اشاره شده، تا به حال از سطح محوطه‌های استان، به‌ویژه نواحی مرکزی، جنوبی، غربی و شرق استان، یکی از گونه‌های شاخص سفال حوزه‌ی شرقی زاگرس مرکزی، موسوم به گودین VII است. گونه‌های دیگر شاخص این دوره، به ندرت از سطح محوطه‌ها گزارش شده‌اند. در سطح تپه گریاشان نیز به وفور گونه‌ی یاد شده، به چشم می‌خورد که چند نمونه از آن‌ها جمع‌آوری و طراحی شده‌اند (تصویر ۱۴)؛ لازم به ذکر است که علاوه بر تپه‌ی یاد شده، چند قطعه سفال این دوره نیز از سطح تپه‌ی «چنو» در فاصله‌ی ۱۰



تصویر ۱۴. نمونه‌ی سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید (گونه‌ی گودین VII) تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶).



▲ تصویر ۱۵ دورنمایی از تپه چنو (نگارندگان، ۱۳۹۶).



▲ تصویر ۱۶. نمونه‌ی سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید (گونه‌ی گودین VII) تپه‌چنور (نگارندگان، ۱۳۹۶).

کیلومتری جنوب سنندج جمع‌آوری شد (تصاویر ۱۵ و ۱۶) که نشان می‌دهد محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید شهر سنندج همانند بیشتر نواحی استان، متأثر از این سنت سفالی است. لازم به ذکر است که علاوه‌بر دو دوره‌ی یاد شده سفال‌های دوره‌های جدیدتر، نظیر: عصر آهن، دوران تاریخی و اسلامی نیز از سطح تپه جمع‌آوری گردید (تصویر ۱۷) که نشان از توالی طولانی این تپه از دوره‌ی مس‌وسنگ تا دوران اسلامی است. وجود قطعات زیاد جوش‌کوره و سفال‌های سبزرنگ مذاب شده با حرارت بالا (تصویر ۱۸) از دیگر شواهد سطحی تپه است؛ لازم به ذکر است که سفال‌های تغییر شکل یافته‌ی سبزرنگ، از نوع سفال‌های دوران تاریخی-اسلامی بوده که نشان از تولید محلی سفال‌های یکی از دوران‌های یاد (دوران تاریخی-اسلامی) شده است. از جمله آثار سطحی دیگر تپه، تخته‌سنگی است که بر روی آن اثر هاون‌های سنگی نیز دیده می‌شود (تصویر ۱۹).

بررسی سفال‌های تپه گریاشان

براساس بررسی‌های سطحی صورت‌گرفته در تپه گریاشان، سفال‌هایی از دوران پیش‌ازتاریخ (مس‌وسنگ میانی و جدید)، آهن، دوران تاریخی و اسلامی در سطح تپه پراکنده شده است که نشان از توالی استقراری چندین دوره‌ای تپه است؛ اما آنچه که در این مقاله مورد بررسی و توجه قرار گرفت، تنها دوره‌ی مس‌وسنگ آن است. همان‌طور که ذکر گردید، قدیمی‌ترین شواهد سطحی تپه مربوط به سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی است. گونه‌های مختلف سفال دالمایی به همراه گونه‌های نخودی منقوش، گونه‌های رایج و شاخص سفال‌های سطحی تپه هستند. لازم به ذکر است که این گونه‌ها، فقط مختص به این ناحیه نبوده و به‌طور قابل توجه، پراکنش گسترده‌ای را در سراسر غرب کشور از آذربایجان گرفته تا لرستان، شامل می‌شوند؛ این مطلب، احتمالاً نشان‌دهنده‌ی ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این منطقه با مناطق همجوار خود در دوران پیش‌ازتاریخ است. با توجه به درصد زیاد سفال‌های نخودی منقوش و نیز درصد کم سفال‌های گونه‌ی دالمای منقوش که بیشتر در فاز قدیمی‌تر دوره‌ی مس‌وسنگ میانی رواج دارند، به‌نظر می‌رسد که قدیمی‌ترین آثار این تپه به فاز سه‌گابی از دوره‌ی مس‌وسنگ میانی برمی‌گردد (گودین IX) و فاز قدیمی‌تر، یعنی فاز گودین (گودین X) در این تپه وجود ندارد. در مورد سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید محوطه نیز باید اشاره کرد که شباهت‌های انکارناپذیری بین سفال‌های این دوره با سفال‌های شاخص دوره‌ی گودین VII که از محوطه‌های زیادی از زاگرس و به‌ویژه نواحی شرقی زاگرس مرکزی گزارش شده، دیده می‌شود. ویژگی غالب آن‌ها، سفال‌هایی ساده با پوشش غلیظ قرمز رنگی هستند که از سفال‌های قرمز لعابدار دالمایی قابل تمیز هستند؛ اغلب، بدون پرداخت نهایی بوده و گاهی ضمخت و دارای خمیره‌ی دود زده هستند. ویژگی‌هایی که به‌وضوح در مورد سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید تپه گریاشان نیز صدق می‌کند. با توجه به مطالب یاد شده، مشخص می‌شود که همانند سایر مناطق زاگرس که دارای یک فرهنگ مشترک سفالی، به‌ویژه در دوره‌ی مس‌وسنگ میانی هستند، منطقه‌ی سنندج نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دقیقاً دارای همان سنت‌های سفالی رایج است.



▲ تصویر ۱۷. نمونه‌هایی از سفال‌های عصر آهن (شماره‌های ۱-۴) و دوره‌ی تاریخی (شماره‌های ۵ و ۶) و قرون میانی اسلام (شماره‌های ۷-۱۲) تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶).



▲ تصویر ۱۸. نمونه‌هایی از جوش‌کوره و سفال‌های مذاب شده با حرارت بالای سطح تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

بحث و تحلیل

همان‌طور که ذکر گردید، شباهت‌های انکارناپذیری هم از لحاظ گونه‌های شاخص سفالی و هم الگوی پراکنش، بین محوطه‌های منطقه سنندج و دیگر نواحی زاگرس در دوره‌های مس‌وسنگ میانی و جدید دیده می‌شود. سفال‌های دالمایی و نیز نخودی منقوش دوره‌ی مس‌وسنگ میانی، از جمله سفال‌های شاخص این دوره بوده که به‌وفور از سایر محوطه‌های مناطق همجوار گزارش شده است. جالب این‌که دقیقاً سفال‌های شاخص دوره‌ی مس‌وسنگ میانی تپه گریاشان نیز همین گونه‌های سفالی هستند. سفال‌های قرمز ساده دوره‌ی گودین VII تپه گریاشان نیز همان‌هایی هستند که از سایر مناطق زاگرس و به‌ویژه نواحی شرقی زاگرس مرکزی گزارش شده است. از نظر الگوی پراکنش و نوع شکل‌گیری محوطه‌ها نیز در زیست‌بوم‌های متفاوت، شباهت‌های انکارناپذیری دیده می‌شود. تپه گریاشان با حجم زیاد قطعات سفال و نیز نهشته‌های چندین متری از این دوران، می‌تواند به‌عنوان یک استقرار یکجانشین شکل‌گرفته در جوار منابع آبی باشد. جالب این‌که درصد زیادی از محوطه‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی زاگرس نیز تپه‌هایی کم‌وبیش با این وسعت و شکل‌گرفته در جوار منابع آب دائمی هستند؛ علاوه‌بر این، سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ میانی از داخل غارها و پناهگاه‌های صخره‌ایی و نیز در دامنه‌ی کوه‌ها و ارتفاعات گزارش شده که مستقیماً بر روی خاک بکر قرار داشته و این محوطه‌ها فاقد نهشته‌های ضخیم فرهنگی هستند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید، وجود این دسته از محوطه‌ها، نشان رواج گروه‌های متحرک رمه‌گردان در کنار جوامع یکجانشین است. در منطقه‌ی سنندج علاوه‌بر تپه گریاشان، سفال‌های شاخص دوره‌ی مس‌وسنگ میانی از دامنه‌ی کوه آبیدر در فاصله‌ی چندین کیلومتری تپه گریاشان گزارش شده که جالب این‌که این سفال‌ها بر بستر طبیعی ارتفاعات دامنه‌ی کوه آبیدر جای دارند. این شواهد نشان می‌دهد که منطقه‌ی سنندج نیز همانند بسیاری از مناطق غرب کشور در دوره‌ی مس‌وسنگ میانی دارای دو شیوه‌ی متفاوت زندگی از هم می‌باشد. یقیناً، این شباهت‌ها نمی‌تواند به‌طور اتفاقی صورت گرفته باشد و می‌توانسته در نتیجه‌ی ارتباط جوامع منطقه با ساکنان مناطق همجوار باشد. اما این‌که ارتباط چگونه بوده و از چه طریقی صورت گرفته، از روی شواهد سطحی امکان‌پذیر نیست و نیازمند انجام کاوش‌های باستان‌شناختی و نیز انجام مطالعات آزمایشگاهی داده‌های به‌دست آمده از کاوش است.

نتیجه‌گیری

هرچند که اخیراً بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی زیادی در محوطه‌های پیش‌ازتاریخی استان کردستان انجام شده، ولی همچنان این خطه از غرب ایران به نسبت دیگر مناطق زاگرس، ناشناخته‌تر باقی مانده است. تپه گریاشان با توالی فرهنگی طولانی از دوره‌ی مس‌وسنگ میانی تا دوره‌ی اسلامی، از جمله شاخص‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های باستانی شهرستان سنندج و در کل استان کردستان است. مطالب یاد شده، نشان می‌دهد که تپه در برگیرنده‌ی آثار با ارزشی از دوران‌های مختلف پیش‌ازتاریخی، تاریخی و اسلامی است. نقش محوری این اثر در مطالعات باستان‌شناختی منطقه‌ی کردستان بر کسی پوشیده نیست؛ متأسفانه، همان‌طور که ذکر گردید، قرار گرفتن موقعیت تپه در بافت شهری سنندج و احداث شهرک‌های جدید در اطراف آن باعث



▲ تصویر ۱۹. هاون‌های سنگی حفر شده بر روی تخته‌سنگ یافت شده از سطح تپه گریاشان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

رساندن آسیب‌های جبران‌ناپذیری به تپه شده است. بخش‌های زیادی از تپه در قسمت‌های شرقی و جنوبی در اثر ساخت‌وساز از بین رفته است. سایر قسمت‌ها نیز در محاصره‌ی ساخت‌وساز، جاده‌سازی و جدول‌کشی قرار گرفته و متأسفانه شاهد گسترش روزانه‌ی ساخت‌وسازها به‌سوی عرصه‌ی آن هستیم. مطمئناً مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدامی که می‌تواند مانع پیش‌روی ساخت‌وسازها به‌سوی عرصه باشد و اثر را جهت بررسی‌ها و مطالعات آتی حفظ کند، گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم و ارائه‌ی ضوابط حفاظتی برای این اثر ارزشمند است.

کتابنامه

- بیگلری، فریدون؛ شیدرنگ، سونیا؛ رحمتی، مرتضی؛ مشکور، مرجان؛ ساعد موچشی، امیر؛ قسیمی، طاهر؛ زارعی، سپهر؛ اکبری، مسعود؛ حسین تهرانی، ندا؛ محمدی‌قصریان، سیروان؛ نصراللهی، صلاح؛ داوودی، حسین؛ امیری، سریه؛ فتحی، هما و عبدالله‌پور، محمد، ۱۳۹۵، «بررسی و کاوش نجات بخشی در محدوده‌ی سد داریان، اورامان (هورامان، کردستان و کرمانشاه)» *پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۴۹-۵۴*
- پازوکی، ناصر و عبدالکریم، شادمهر، ۱۳۸۴، *آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی (از تاریخ ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴)*، تهران، سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری کشور.
- حیدری، محسن، ۱۳۹۱، «مروری بر دوره مس‌وسنگ شمال غرب ایران و پیشنهاداتی برای حوزه‌ی گسترش سفال دالما»، *مجله پیام باستان‌شناس، سال نهم، شماره نوزدهم، صص: ۳۷-۵۰*
- روستایی، کوروش و رضوانی، حسن، ۱۳۸۱، «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی در غار کانی میکائیل کردستان»، *شهریور و مهر ۱۳۸۰، باستان‌شناسی و تاریخ، ۳۲، صص: ۵۸-۷۶*.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۶، «تغییر و تحولات شهر سنندج در دوره‌ی صفوی و قاجار از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی»، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲، *آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان، انتشارات سبحان نور، دانشگاه بوعلی سینای همدان.*
- ساعدموچشی، امیر و علیرضا، آذرشب، ۱۳۹۲، «شواهد استفاده از غارهای صعب‌العبور در دوره‌ی دالما در غرب ایران»، *مجله پیام باستان‌شناس، سال دهم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص: ۵۰-۳۷*.
- ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۰ الف، «بررسی الگوهای استقرار دوره‌ی مس‌وسنگ شرق استان کردستان (حاشیه‌ی رودخانه‌ی قزل‌اوزن)»، رساله‌ی دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۲، «حوزه‌ی آب‌گیر رودخانه‌ی قزل‌اوزن در دوره‌ی مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار»، *دو فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۵، دوره‌ی سوم، صص: ۵۰-۲۵*.
- ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۱، «گزارش بررسی پارینه‌سنگی جنوب کردستان، شهرستان‌های سروآباد و کامیاران»، مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و

- گردشگری استان کردستان (منشر نشده).
- کریمی، زاهد، ۱۳۸۶، «گزارش بررسی باستان‌شناسی دهستان بیلاق جنوبی، بخش دهگلان شهرستان قروه»، اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس، ۱۳۸۱، «بررسی باستان‌شناسی شهرستان مریوان»، مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس، ۱۳۹۴، «مریوان، از دوره‌ی پارینه‌سنگی میانه تا دوره‌ی مس‌وسنگ»، جشن‌نامه‌ی دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، مفاخر میراث فرهنگی ایران شماره‌ی ۱، به کوشش: مرتضی حصارى، صص: ۳-۱۰.
- نوری، نادر، ۱۳۸۹، «بررسی و شناسایی بخش مرکزی شهرستان کامیاران»، مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- وفایی، صابر، ۱۳۸۹، «مطالعه و تحلیل استقرارهای عصر آهن III بخش زیویه شهرستان سقز»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).
- هول، فرانک، ۱۳۸۱، «باستان‌شناسی دوره‌ی روستانشینی»، باستان‌شناسی غرب ایران، به کوشش: فرانک هول، ترجمه: زهرا بایستی تهران، سمت.

- Abdi, K. 2003, "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains." *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4. 395-448

- Abdi, K., Nokandeh, G., Azadi, A., Biglari, F., Heydari, S., Farmani, D., Rezaii, and ., Mashkour, M. 2002b, "TuwahKhoshkeh: A Middle Chalcolithic pastoralist camp-site in the Islamabad Plain, West Central Zagros Mountains, Iran," *Iran* 40: 43-74

- Henrickson, E. F., 1983, "Ceramic Styles and Cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros, Iran", PhD. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.

- Henrickson, E. F., 1985b, "An updated chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, western Iran", *Iran* 23: 63-108.

- Levine L. D., & Young, Jr. T. C., 1987, "A summary of the ceramic assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C. In *Pr'ehistoire de la M'esopotamie: La M'esopotamiepr'ehistorique et l'explorationr'ecente du DjebelHamrin*", *E'ditions de la Centre National de la RechercheScientifique*, Paris, pp. 15-53.

- Levine, L. D., 1974, "Archaeological investigations in the Mahidasht, western Iran", *Pal'eorient* 2: 487-490.

- Levine, L. D., & McDonald, M. A., 1977, "The Neolithic and Chalcolithic periods in the Mahidasht", *Iran* 15: 39-50.

- Mohammadifar, Y. & Motarjem, A., 2008, "Settlement continuity in Kurdistan", *Antiquity* 82: 317.

- Rothman, M & Badler, V., 2011, "Contact and Development in Godin Period VI. In *On The High Road*", ed by Hilary Gopnik and Mithchel Rothman. *Royal Ontario Museum*, 67-120.

- Swiny, S., 1975, "Survey in North-West Iran 1971", *East and West*, 25 (12): 77-98